

ترکیه به مثابه قدرت میانی در نظام بین الملل و جایگاه آن در روابط ایران و امریکا (با تأکید بر دوران حزب عدالت و توسعه)

سید امیر نیاکوئی*
امیررضا احمدی خوی

چکیده

ظهور قدرت‌های میانی نوپدید در نظام بین‌الملل از ویژگی‌های روابط بین‌الملل در دهه پایانی قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم محسوب می‌شود. موضوع قدرت‌های میانی در حال ظهور زمانی شکل گرفت که سایه تسلط نظام دو قطبی در روابط بین‌الملل رخت بر بست و فرصت برای تجلی قدرت‌های میانی پدیدار گشت. با وجود دامنه‌دار بودن بحث قدرت‌های میانی در روابط بین‌الملل در دوران جنگ سرد، قدرت‌های میانی نوظهور در روابط بین‌الملل شکل جدیدی از رفتار را به نمایش گذاشته‌اند که لزوماً مبتنی بر حفظ وضع موجود نیست. این مسئله با رفتار سنتی قدرت‌های میانی در نظام بین‌الملل که همواره از شرکای قدرت‌های بزرگ به حساب می‌آمده و رفتاری مبتنی بر حفظ وضع موجود داشتند، متفاوت است. پژوهش حاضر با گذاری بر مباحث نظری مربوط به قدرت‌های میانی نوظهور در عرصه روابط بین‌الملل به این پرسش می‌پردازد که سیاست خارجی ترکیه در رابطه با ایران و امریکا چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ترکیه به مثابه یک قدرت میانی نوظهور در نظام بین‌الملل، به ایفای نقش‌های متضاد و چندلایه پرداخته و در عین بهره‌مندی از اتحاد استراتژیک با امریکا، استقلال عمل بیشتری را در رابطه با مسائل منطقه‌ای بروز می‌دهد. این کشور در رابطه با ایران نیز از ترکیبی از رقابت و همکاری بهره می‌گیرد که معطوف به افزایش نقش منطقه‌ای آن است.

واژگان کلیدی: قدرت‌های میانی، نظام بین‌الملل، ترکیه، ایران، ایالات متحده.

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۷/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۲/۲۰

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: niakoee@gmail.com

مقدمه

ظهور قدرت‌های جدید در نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد از جمله موضوعات مهم در روابط بین‌الملل بوده است. با پایان جنگ سرد، نظام دو قطبی که در آن شکل و شدت منازعه از سوی ابرقدرت‌های موجود کنترل می‌شد، فروپاشید. در نظام دو قطبی، هر گاه منازعه‌ای در حوزه نفوذ هر یک از بلوک‌ها رخ می‌داد، هر یک از دو ابرقدرت بسته به شدت و گسترش منازعه، محدود کردن و عدم گسترش آن به سایر نقاط و حوزه‌های نفوذ خود را دنبال می‌کردند. به دنبال پایان یافتن جنگ سرد و شکل‌گیری نظام تک‌چندقطبی و رقیق شدن مناطق نفوذ دو قطبی به تدریج قدرت‌های منطقه‌ای مختلفی سر برآورده و به شکل بسیار فعالی در امورات منطقه خود به فعالیت پرداختند. در این خصوص نظریه‌ای از سوی ادوارد جردن (Jordan, 2003: 166-167) بیان شده است که می‌تواند به بهترین نحو گویای مناسبات جدید در ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد باشد. در این پژوهش به جهت درک روابط کشورهای همسایه ایران و مناسبات آن‌ها با ابرقدرت و اثر آن در رابطه دو جانبه با ایران چارچوب تحلیلی جردن انتخاب شده است. جردن در مقاله خود به تحلیل وضعیت و نقش قدرت‌های میانی در حال ظهور پرداخته و میان قدرت‌های میانی سنتی و در حال ظهور از حیث نقشی که آن‌ها در نظام بین‌الملل بازی می‌کنند، تفاوت قائل شده است. از این حیث ما برای درک بهتر و عمیق‌تر از وضعیت ترکیه و رابطه آن در مناسبات ایران و ایالات متحده به چهارچوب تحلیلی جردن متوسل می‌شویم تا نقش قدرت میانی در حال ظهوری چون ترکیه در خاورمیانه را در پرتوی روابط ایالات متحده و ایران توضیح دهیم. اشاره به موضوع قدرت‌های میانی سنتی و در حال ظهور و تفاوت‌های آن‌ها به روشنی می‌تواند گویای ایفای نقش منطقه‌ای ترکیه و اثر آن در روابط با ایالات متحده و ایران باشد. ترکیه از این حیث که به عنوان قدرت میانی در حال ظهور روابط خود را ورای ایالات متحده و ایران می‌چیند و به عنوان یک قدرت میانی در برخی از موارد به سرپیچی از ایالات متحده در خصوص رابطه با ایران می‌پردازد، اهمیت بسیاری دارد.

چهارچوب مفهومی: قدرت‌های میانی نوظهور در نظام بین‌الملل

ادوارد جردن از جمله صاحب‌نظرانی است که به طرح قدرت‌های میانی در روابط بین‌الملل پرداخته و تفاوت میان قدرت‌های میانی سنتی و در حال ظهور را مورد بررسی قرار داده است. از دیدگاه او مهم‌ترین تفاوت میان قدرت‌های میانه سنتی (مانند استرالیا، کانادا، نروژ، سوئد) و قدرت‌های میانه در حال ظهور، نگاه آن‌ها به نظام بین‌الملل موجود است. از نگاه قدرت‌های میانه سنتی، حفظ وضعیت موجود با هدف حفظ نظام بین‌الملل فعلی و تقویت حقوق بین‌الملل و هنجارهای مدنی بین‌المللی مهم‌ترین کارکرد در نظام بین‌الملل است. (Jordan, 2003: 1-2) اما در خصوص قدرت‌های میانی در حال ظهور، اعمال قدرت و تلاش برای اصلاح ساختارهای

بین‌المللی ناهمسو با منافع آن‌ها، از اولویت‌های سیاست خارجی به شمار می‌رود؛ بنابراین، حفظ وضعیت موجود نه تنها از اولویت‌ها به شمار نمی‌رود، بلکه آن‌ها درصدد تغییر آن نیز می‌باشند. از این حیث رابرت کیوهن در مقاله‌ای منطقه‌گرایی رقابتی را از ویژگی‌های نظام بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی فعلی می‌داند. (Keohane, 2014:1)

قدرت‌های میانی در حال ظهور همچنین تمایل بیشتری نسبت به قدرت‌های سنتی میانه جهت تأثیرگذاری در عرصه منطقه‌ای دارند. در واقع قدرت‌های میانی سنتی تمایلات کمتری به تأثیرگذاری در محیط منطقه‌ای خود نشان داده‌اند. کشورهای شمال اروپا که گونه‌ای از قدرت‌های میانه سنتی به شمار می‌روند همواره از مشارکت وسیع در اتحادیه اروپا به شکل عضویت یا مشارکت در نظام پولی واحد (یورو) خودداری ورزیده‌اند. همچنین مشارکت منطقه‌ای کشورهایمانند استرالیا و کانادا نیز نسبت به برخی از قدرت‌های میانه در حال ظهور در ترتیبات منطقه‌ای کمتر است. اگر بخواهیم به ترسیم شکل روابط خارجی قدرت‌های میانه در حال ظهور با قدرت‌های میانه سنتی به شکل مقایسه‌ای پردازیم شکل ذیل می‌تواند گویای این مناسبات باشد.

شکل ۱ مقایسه وضعیت قدرت‌های میانه سنتی و در حال ظهور با تکیه بر تفاوت‌های بنیادین و رفتاری

| قدرت‌های میانه در حال ظهور | | قدرت‌های میانه سنتی |
|--|-------------------------------|---|
| تفاوت‌های بنیادین | | |
| ثبات نسبی، به تازگی گذار به دموکراسی نهاده و همراه با جنبه‌های غیر دموکراتیک است | سوسیال دموکراسی با ثبات | سنت‌های دموکراتیک |
| بعد از جنگ سرد | دوره جنگ سرد | زمان ظهور به عنوان قدرت میانه |
| نیمه حاشیه‌ای | هسته اقتصاد جهانی | جایگاه در اقتصاد جهانی |
| کاملاً ناعادلانه | عادلان | توزیع داخلی ثروت |
| بالا | پایین | نفوذ منطقه‌ای |
| همکاری‌های درون منطقه‌ای و اهمیت منطقه‌گرایی | عدم اهمیت نسبی | ریشه‌های درک از بی‌طرفی |
| تفاوت‌های رفتاری | | |
| به طور نسبی بالا | کم | جهت‌گرایی منطقه‌ای |
| مشتاق در حد بدست گرفتن نقش رهبری | متغیر | دیدگاه نسبت به همکاری و همکاری‌های منطقه‌ای |
| اصلاح طلب و مشروع ساز | فرونشاننده و مشروع ساز | ماهیت اقدامات که منجر به تغییرات جهانی عمیق می‌گردد |
| ایجاد تصویر جدید با هدف بازتعریف ساختار سنتی نظم بین‌الملل | اجماع ساز و سازمان دهنده سنتی | هدف از ایجاد هویت بین‌المللی |

با توجه به مباحث فوق، چگونگی تنظیم روابط خارجی ترکیه در چهارچوب روابط استراتژیک با آمریکا و مناسبات دو کشور همسایه بحث اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. در این چهارچوب، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی نظری عملکرد سیاست خارجی ترکیه به عنوان قدرت میانی در حال ظهور در زمینه ایفای نقش منطقه‌ای در خاورمیانه با تأکید بر چگونگی تنظیم روابط با ابرقدرت و سایر بازیگران فعال این منطقه بپردازد.

قدرت‌های میانی چه سنتی و چه در حال ظهور هر دو برآنند که نقش خود را در نظام بین‌الملل از طریق ایفای نقش شهروند خوب اجرا نمایند؛ بنابراین، هر دو سعی دارند که در فرایندهای بین‌المللی شامل سازمان‌های بین‌المللی و رژیم‌ها نقش مهمی ایفا کنند. تفاوت قدرت‌های میانه سنتی با قدرت‌های میانه در حال ظهور این است که تلاش گروه اول در جهت حفظ وضع موجود و ایفای نقش در سازمان‌های بین‌المللی است حال آن که قدرت‌های اخیر در ضمن تلاش برای حفظ اساس نظام بین‌الملل موجود سعی در اصلاح آن در جهت مطلوب خود دارند. بر همین اساس است که گورزل با تأکید بر حضور ترکیه در ناتو و چتر امنیت اتمی آن سازمان برای حفظ اعضا بیان می‌دارد که ترکیه در جهت حفظ و جلوگیری از اشاعه تسلیحات هسته‌ای همگام با نهادهای بین‌المللی و غرب به‌طور اخص عمل می‌کند. (Gurzel, 2012: 2)

پژوهش ذیل در سه گفتار به بررسی رابطه ایالات متحده و ترکیه در رابطه با موضوع بازدارندگی ایران می‌پردازد. در گفتار اول ترکیه به عنوان بازیگر فعال بعد از جنگ سرد که از بطن تغییر محیط امنیتی سر برآورده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گفتار دوم چالش‌ها و فرصت‌های ترکیه در روابط دو جانبه با ایران در دو چارچوب هژمونی منطقه‌ای و انتفاع دو جانبه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. گفتار سوم نیز به روابط راهبردی ترکیه با ایالات متحده و مؤلفه‌های سیاست ترکیه به عنوان قدرت میانی در حال ظهور در برابر شریک استراتژیک غربی خود (ایالات متحده) می‌پردازد تا مشخص شود که چگونه قدرت میانه در حال ظهوری مانند ترکیه می‌تواند نقش منطقه‌ای خود را بسط داده و با همسایگان خود رقابت فعال داشته باشد.

در خصوص آثار منتشرشده در زمینه روابط ایران و ترکیه می‌توان با توجه به نقش روزافزون ترکیه در منطقه خاورمیانه و در قبال ایران تقسیم‌بندی خاصی را ارائه داد. برخی از آثار اخیراً منتشرشده، روابط ایران و ترکیه را با توجه به نقش ترکیه به عنوان قدرت میانه در حال ظهور دارای چالش‌ها و فرصت‌هایی قلمداد نموده و نتیجه‌گیری می‌کنند که به رغم اختلاف نظرها میان دو کشور در خصوص معماری سیاسی خاورمیانه، دو کشور موقعیت و نزدیکی خود را گسترش داده و سطح روابط دو جانبه با تمام چالش‌های پیش رو (مانند جنگ داخلی سوریه) افزایش قابل توجهی داشته است. به عنوان مثال، سینکایا موضوعی مانند اختلاف ایران و ترکیه در رابطه با آینده سیاسی سوریه و اختلاف نظر عمیق آن‌ها را موجب منطقی‌تر شدن روابط دو کشور دانسته و معتقد است حتی در صورت تداوم بحران سوریه، روابط دو جانبه ایران و ترکیه دستخوش تغییر بنیادی نخواهد شد. (Sinkaya, 2012:18) پژوهش ذیل ضمن همراهی با این دسته از پژوهش‌ها توجه خود را معطوف به غفلت این‌گونه پژوهش‌ها از نوعی تصویر مفهومی نموده است. منظور از تصویر مفهومی همان نقش ترکیه به عنوان قدرت میانه در حال ظهور است که تقویت روابط خود با بازیگر منطقه‌ای فعال و پرنفوذی مانند ایران و ابرقدرتی چون ایالات متحده را در دستور کار قرار داده است. همان‌طور که بیان شد، تمام قدرت‌های میانه صرف‌نظر از سنتی یا در حال ظهور بودنشان تلاش دارند تا نقش شهروند مسئولیت‌پذیر را در نظام بین‌الملل ایفا نمایند. می‌توان در تصویر کلی نقش ترکیه در برابر ایران و رابطه آن با ایالات متحده را به این شکل تبیین نمود.

ترکیه به لحاظ اقتصادی با به دست آوردن حجم ۹ درصدی از مجموع واردات ایران در سال ۲۰۱۳ بعد از چین و هند در رتبه سوم قرار گرفته است. از این لحاظ ترکیه نمی‌تواند چه به لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی جایگاه خود را به جهت فشار ایالات متحده در خصوص بازدارندگی ایران در خطر قرار دهد. از سوی دیگر ترکیه به عنوان عضو ناتو از روابط سیاسی و نظامی نزدیکی با ایالات متحده برخوردار است. از سوی دیگر ترکیه از حمایت سیاسی امریکا در پیوستن به اتحادیه اروپا برخوردار است. امری که بازار اقتصادی بزرگی را به جهت مصرف

و انتقال نیروی کار در اختیار آن کشور قرار می‌دهد. با درک این دو مسئله می‌توان گفت که پژوهش‌های مذکور به درستی به اهمیت روابط ایران و ترکیه پرداخته‌اند، اما نتوانسته‌اند در تصویری بزرگ‌تر به شکلی تحلیلی علت رفتار ترکیه در قبال ایران را تبیین نمایند. به عبارت دیگر در چهارچوب ارائه‌شده از سوی جردن (۲۰۰۳) می‌توان به درک رفتار ترکیه به عنوان قدرت میانه در حال ظهور درخصوص بازدارندگی ایران از سوی ایالات متحده نایل شد. در این خصوص بانک و کاراداغ ترکیه را به عنوان بازیگری در نظر می‌گیرند که رفته‌رفته جایگاه منطقه‌ای مستقل‌تری می‌یابد؛ بنابراین، اهمیت تأثیر آمریکا بر سیاست‌های منطقه‌ای آن کشور کم‌رنگ‌تر می‌شود. (Karadag and Bank, 2012:17) ریچارد فالک نیز از سوی دیگر سیاستمداران آمریکایی را در برابر حرکت پیش‌دستانه ترکیه در جهت ایفای نقش مستقل‌تر در ترکیه دست‌بسته و دارای عدم تحرک می‌بیند. (Falk, 2014:15) گروه دیگر اهمیت روابط ایالات متحده با ترکیه را فراتر از موضوع ایران دانسته و بر پیوندهای دیرین دو کشور تأکید می‌کنند. از این گروه می‌توان کنت پولاک را نام برد که با توجه به اهمیت غرب و نقش آن در تقویت ترکیه به عنوان بازیگر منطقه‌ای، این کشور را تشویق به نزدیکی و همراهی بیشتر با ایالات متحده می‌نماید. این رویکرد طبیعتاً دربردارنده رویکردی خصمانه‌تری نسبت به ایران است. (Pollack, 2011:78) با این تقسیم‌بندی می‌توان به شمای کلی از تحلیل‌ها درخصوص سیاست خارجی ترکیه به عنوان قدرت میانه در حال ظهور رسید که در صدد است با تکیه بر دو مفهوم شهروند جهانی خوب و بازیگر فعال منطقه‌ای موقعیت خود را در برابر ایالات متحده و ایران تنظیم کند. پژوهش ذیل با استفاده از مفهوم جردن در پی تحلیل چگونگی این روند است.

گفتار اول: ترکیه در بطن محیط امنیتی جدید: حرکت از سیاست تکیه صرف به غرب به سمت تبدیل شدن به بازیگر فعال منطقه‌ای

ساختار امنیتی پس از جنگ سرد که تغییری اساسی در شکل نظام بین‌الملل به شمار می‌رود در سطوح منطقه‌ای نیز تأثیرگذار بوده است. تغییر در سطح منطقه‌ای به معنای شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی مستقل‌تر و ظهور بازیگران منطقه‌ای جدیدتر است که خود را در برابر ابرقدرت و منافع جهانی آن تعریف می‌کنند. در هر مجموعه امنیتی تعدادی بازیگر نوظهور قدرتمند وجود دارند که سعی می‌کنند با بازگشت به سیاست ژئوپلیتیک موقعیت خود در منطقه را بهبود بخشند. این به معنای آن است که این بازیگران به نوعی در برابر نظم مسلط جهانی صف آرایی نموده و هژمونی ابرقدرت با منافع جهانی خود را به چالش می‌کشند. هدف این قدرت‌های میانه در حال ظهور، تقویت محیط امنیتی اطراف خود در جهت شکل‌دهی به ساختاری با محوریت منافع خود است. می‌توان این تغییر جهت را در دو وجه سیاست داخلی و تغییر محیط امنیتی ترکیه مشاهده و تحلیل کرد.

در وجه محیط امنیتی اطراف ترکیه، ساختار منطقه خاورمیانه بعد از پایان جنگ سرد شکل خاصی داشته است. در این ساختار ایالات متحده به عنوان ابرقدرت در صحنه جهانی نفوذ نموده و تلاش دارد خاورمیانه به عنوان یکی از مناطق راهبردی جهان و شاهراه انرژی را بر اساس نظمی خاص شکل دهد؛ بنابراین، از یک سو ابرقدرت در جهت شکل دادن به سیاست بازیگر منطقه‌ای چون ترکیه حرکت می‌کند تا بتواند از آن به عنوان ابزار نفوذ خود در مجموعه امنیتی خاورمیانه و مدیترانه استفاده نماید و از سوی دیگر ترکیه نیز در فضای امنیتی جدید به دنبال متنوع‌سازی سیاست خارجی خود و نفوذ در مناطقی بوده که سابقاً حوزه نفوذ هر یک از دو ابرقدرت ایالات متحده و شوروی سابق بودند. به عقیده هانتز به واسطه پایان یافتن جنگ سرد، ترکیه برای نشان دادن اهمیت خود به عنوان بازیگری فعال میان اروپا و آسیا نیاز به یافتن متحدی داشت تا بتواند همانند سال‌های جنگ سرد از کمک قدرت‌های بزرگ به خصوص ایالات متحده برخوردار شود. (Hunter, 2009:162) در این راستا تر بازدارندگی ایران موضوعی بود که بتواند اهمیت ترکیه را نزد متحدان قدیمی خود به‌ویژه ایالات متحده بازیابی کند. ایران به عنوان بازیگری که هژمونی امریکا در خاورمیانه را به چالش کشیده است، همواره از دغدغه‌های اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است. بدین ترتیب همسایه‌ای که بتواند در برابر قدرت گرفتن ایران بازدارندگی ایجاد نموده یا خود تبدیل به بازیگری قدرتمند شود، از جمله عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه بوده است.

از سوی دیگر، ترکیه با روی کار آمدن تورگوت اوزال به سمت متنوع‌سازی در سیاست خارجی خود پیش رفت. امری که نشان از تمایل سیاستمداران ترک به افزایش قدرت منطقه‌ای خود از طریق متنوع‌سازی حوزه‌های سیاست خارجی خود دارد. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه روند متنوع‌سازی سیاست خارجی این کشور با سمت و سوی عثمانی‌گرایی جدید به تدریج به سمت خاورمیانه، افریقا و منطقه قفقاز تغییر نمود و تلاش برای تبدیل شدن به بازیگری فعال به خصوص در منطقه خاورمیانه در اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه قرار گرفت. در این راستا به تدریج بهبود روابط با همسایگان مورد توجه سیاست خارجی این کشور قرار گرفت. البته این امر به تدریج در مورد کشورهای همسایه اجرا شد. تنوع بازیگران و محیط‌های بازیگری برای سیاست خارجی ترکیه امکان عملکرد آزادانه‌تر را فراهم آورده است که می‌تواند اختیار عمل بیشتر و وابستگی کمتر نسبت به امریکا را در برنامه‌ریزی روابط خارجی به دنبال داشته باشد. لارابی توجه به موضوع مذهب و سمبل‌های مذهبی در سیاست خارجی ترکیه را موضوع مهمی برای مطالعه سیاست خارجی این کشور می‌داند. او با استناد به نظرسنجی‌ای که از سوی شورای مطالعاتی اقتصادی اجتماعی ترکیه در سال ۲۰۰۶ در استانبول صورت گرفته است بیان می‌کند که حدود ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان خود را بیشتر از این که ترک دانسته باشند مسلمان خوانده‌اند که این امر می‌تواند نشانگر این

باشد که مقوله اسلام و هویت اسلامی نقش بیشتری در دید افکار عمومی ترکیه دارد. (Larrabee, 2008:5)

عرصه سیاسی داخلی ترکیه نیز در این مدت به خصوص اوایل قرن بیستم شاهد تغییراتی بوده است که روند حرکت به سمت قدرت میانه در حال ظهور را تسریع نموده است. به عقیده جنکینز، حزب عدالت و توسعه در اوایل حضور در عرصه سیاسی ترکیه و با توجه به لرزان بودن موقعیت داخلی خود تلاش نمود تا روابط استراتژیک خود با ایالات متحده را حفظ نماید. (Jenkins, 2012: 26) در این راستا ترکیه به عنوان یک قدرت میانی در حال ظهور تلاش نمود تا نقش شهروند خوب را به خوبی بازی کند. همان‌گونه که اشاره شد قدرت‌های میانه نقش شهروند خوب در نظام جهانی را از اولویت‌های سیاست خارجی خود می‌دانند. اشاره‌های احمد داوود اوغلو وزیر خارجه وقت ترکیه در این زمینه نشان از این اولویت سیاست خارجی ترکیه دارد. او ترکیه را به عنوان جزیره آرامش حد فاصل اروپا و خاورمیانه می‌داند و در مقاله خود بازسازی نقش ترکیه در دوران جنگ سرد را به عنوان عاملی ثبات ساز در جهت احیای موقعیت این کشور می‌بیند. (Davutoglu, 2008: p. 77) داوود اوغلو معتقد است که هویت و موقعیت جغرافیایی ترکیه مانند کشورهایی چون ایران، روسیه و آلمان نیست که به‌طور کامل در منطقه جغرافیایی خاصی قرار گرفته باشد، بلکه موقعیت ترکیه که حد فاصل اروپا و آسیا است و فاصله نزدیک‌تری نیز با آفریقا دارد به این کشور امکان می‌دهد تا سیاست فعال‌تری اتخاذ کند.

در این راستا تغییرات سیاسی داخلی در ترکیه نیز در تبدیل سیاست خارجی ترکیه از متحد صرف استراتژیک غرب به قدرت میانه در حال ظهور نقش داشته است. موقعیت داخلی حزب عدالت و توسعه در تعیین خط‌مشی‌های آن مؤثر بوده است. در دوره اول به لحاظ سست بودن موقعیت سیاسی این گروه در عرصه سیاست ترکیه که در آن نظامیان قدرت فراوانی داشتند، موقعیت چندانی برای پیگیری اهداف سیاست خارجی مستقل تر را برای ترکیه فراهم نیاورد، اما در دوره دوم و به دنبال انتخاب عبدالله گل به ریاست جمهوری این کشور و اتفاقاتی که در حواشی این موضوع میان حزب عدالت و توسعه و ارتش ترکیه اتفاق افتاد، موقعیت برای ابراز نظر بیشتر در عرصه سیاست خارجی برای حزب عدالت و توسعه که پشت‌گرم به حمایت داخلی و محبوبیت در نزد افکار عمومی بود فراهم آمد. درخصوص همراهی حزب عدالت و توسعه با سیاست‌های آمریکا و تأثیر فضای داخلی ترکیه در جدیدترین آثاری که درخصوص سیاست خارجی ترکیه به رشته تحریر درآمده است حرکت توسعه‌طلبانه ترکیه و دیدگاه تهاجمی آن نسبت به منطقه به چشم می‌خورد. مثلاً کارداگ معتقد است موقعیت منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه مبتنی بر وضعیت قدرت این حزب در عرصه داخلی است که حاصل توازن میان قدرت سیاسی و همراهی افکار عمومی از دولت‌مردان این حزب است. کوک معتقد است قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه بخش زیادی از سیاست خارجی خود را

از زمان تشکیل به نهادی نمودن روابط خود با اروپا و ایالات متحده معطوف کرده و در مورد خاورمیانه به عنوان بازیگران نیم‌بند عمل می‌نمود. کوک در خصوص اثر این نوع سیاست بر افکار عمومی در کشورهای عرب معتقد است که عضویت در ناتو و سیاست لائیسیتته دولت آتاتورک باعث نوعی بی‌اعتمادی کشورهای عرب نسبت به ترکیه شده بود. سیاست انزوایی که ترکیه بعد از جنگ جهانی اول در پیش گرفته بود باعث شد تا آنکارا از هرگونه داخل شدن در رقابت و درگیری در منطقه خاورمیانه حذر کند. (Cook, 2012:37)

با استفاده از چارچوب تحلیلی جردن می‌توان حوزه‌های نفوذ ترکیه در خاورمیانه که متشکل از سه حوزه امنیتی لبنان، خلیج فارس و شمال افریقا یا مغرب عربی است را مورد تحلیل قرار داد. چارچوب تحلیلی جردن به موضوع نقش قدرت‌های میانه در حال ظهور در فضای منازعات ژئوپلیتیکی بعد از جنگ سرد اشاره دارد. در این خصوص حمله ایالات متحده به عراق قابل توجه است. جایی که بازیگر منطقه منافع خود را در برابر اقدام مداخله‌جویانه ابرقدرت در خطر می‌بیند. در این زمینه لارابی حمله ایالات متحده به عراق را موجب وخیم‌تر شدن مشکلات امنیتی ترکیه دانسته و آن را مغایر با معماری سیاسی منطقه مورد نظر ترکیه می‌داند. در نتیجه روابط این کشور و ایالات متحده رو به سردی گذاشت. در همین زمان روابط ترکیه و اروپا نیز محدودتر شده بود. محدودیت روابط ترکیه و واشنگتن که همواره جانشینی برای سردی روابط ترکیه و اروپا به شمار می‌رفت، باعث شد تا این فکر در میان بخشی از جامعه ترکیه پدیدار شود که بیشتر از این نمی‌توان بر روی ایالات متحده حساب نمود. (Larrabee, 2008:84) نگاه جدید به غرب موجب تغییر در ساختار سیاست خارجی ترکیه شد. بدین معنی که به جای سیاستمداران کمالیست و طرفدار غرب، محافظه‌کاران ملی‌گرا و مذهبی که نیم‌نگاهی به احیای قدرت ترکیه مانند سلف خود یعنی امپراتوری عثمانی داشتند، روی کار بیایند.

قدرتمند تر شدن موضع سیاسی حزب عدالت و توسعه در فضای سیاسی ترکیه که به دنبال وقوع سلسله‌ای از حوادث از جمله به دست آوردن اقبال عمومی در داخل، تقویت مناسبات تجاری اقتصادی با کشورهای عرب خاورمیانه و تضعیف نقش نظامیان و گروه‌های محافظه‌کار در سیاست این کشور رخ داد، باعث شد تا این کشور مواضع پررنگ‌تری را در قبال کشورهای منطقه اتخاذ نماید. کاراداغ و بانک رابطه بین سیاست خارجی ترکیه و موقعیت داخلی حزب عدالت و توسعه را رابطه‌ای متقابل دانسته و تغییر اولویت‌ها در روابط خارجی این کشور را نشانه تأثیرات این تعامل دوجانبه می‌داند. حرکت به سمت خاورمیانه به عنوان یکی از جنبه‌های جدید سیاست خارجی ترکیه در دوره دوم حزب عدالت و توسعه، واکنش در مقابل محاصره غزه از سوی اسرائیل، میانجیگری میان سوریه و عربستان و میانجیگری در لبنان از مؤلفه‌های سیاست خارجی جدید ترکیه به حساب می‌رود. (Karadag and Bank, 2012:6)

تقویت قدرت و موقعیت حزب عدالت و توسعه در صحنه داخلی ترکیه باعث شده است تا سیاستمداران این حزب با اعتماد به نفس بیشتری در عرصه سیاست خارجی به عمل پرداخته و رو به نوعی سیاست خارجی ماجراجویانه آورده و تلاش نمایند عمق و حوزه روابط خود را با کشورهای دیگر بسط و گسترش دهند؛ بنابراین، ترکیه در این دوره اقدام به تأسیس زنجیره‌ای از سفارتخانه‌های خود در کشورهای آفریقایی نموده است. همچنین در زمینه رابطه با کشورهای عرب منطقه خاورمیانه با استفاده از گروه تجار وابسته به حزب عدالت و توسعه، عمق روابط خود را با این کشورها گسترش داده تا بتواند مدل حکومت‌داری خود را در میان افکار عمومی و سیاستمداران این کشورها عرضه کند.

در خصوص روابط ایالات متحده و ترکیه البته نمی‌توان از این موضوع غافل شد که همکاری‌های استراتژیک دو کشور در این دوره هم ادامه یافته است که مشخص و بارزترین نمونه این همکاری‌ها استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در مرز ترکیه با سوریه بوده است که این مسئله واکنش مقامات ایران را به همراه داشته است. این موضوع باعث شده عمق همکاری‌های آمریکا و ترکیه مشخص شود و روند واگرایی سیاست خارجی ترکیه از این کشور با شک و تردید مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر همکاری‌های دفاعی امنیتی ترکیه و ایالات متحده در قالب ناتو و همچنین در چهارچوب روابط دوجانبه باعث شده است تا ایران با نوعی شک و تردید به نیات ترکیه در منطقه خاورمیانه بنگرد. استقرار سیستم راداری ناتو و همچنین اقدام اخیر ناتو در استقرار موشک‌های پاتریوت در مرز ترکیه و سوریه باعث شده تردید مقامات ایران در خصوص ماهیت اهداف ترکیه در منطقه خاورمیانه بیشتر شود. در حقیقت به نوعی می‌توان گفت که ترکیه سعی دارد از یک سو نقش مستقل‌تری در سیاست خارجی خود ایفا نماید و از سوی دیگر پیوندهای سنتی خود را با ایالات متحده و مجموعه دفاعی- نظامی ناتو حفظ نماید تا بتواند هم از امکانات نظامی و هم از حمایت‌های سیاسی آن‌ها برای عضویت در اتحادیه اروپا استفاده نماید.

گفتار دوم: اهداف سیاست خارجی ترکیه در قبال ایران در قالب رقابت‌های منطقه‌ای

در این گفتار اهداف سیاست خارجی ترکیه در قبال ایران با تکیه بر مفهوم قدرت میانه در حال ظهور و اهمیت منازعات ژئوپلیتیکی در منطقه خاورمیانه برای حفظ تسلط منطقه‌ای میان دو بازیگر ذکر شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهداف سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه را می‌توان مهم‌ترین موضوع و محل برخورد منافع آن کشور با ایران در عرصه خاورمیانه دانست. باید به این موضوع توجه نمود که ترکیه با حضور احمد داوود اوغلو به عنوان طراح اصلی سیاست خارجی، مهم‌ترین عرصه سیاست

خارجی خود را حضور و نقش منطقه‌ای فعال می‌داند. از این رو با وقوع تغییرات داخلی در کشورهای عرب در سال ۲۰۱۱ و سرنگونی برخی از رژیم‌های محافظه‌کار، سیاست خارجی ترکیه شکل جدیدی به خود گرفت و با هدف تأثیرگذاری نظام‌های آتی سیاسی در این کشورها برنامه‌ریزی نمود.

حال آن که ترکیه در این زمینه با ایران به عنوان یکی از بازیگران فعال در خاورمیانه در بسیاری از حوزه‌های دچار اصطکاک منافع شد؛ بنابراین، توجه به موضوع هژمونی منطقه‌ای در تحلیل رفتار سیاست خارجی ترکیه به عنوان قدرت میانه در حال ظهور در برابر ایران و الگوهای موجود در رفتار این کشور بسیار مهم است. می‌توان در خصوص برخورد منافع دو کشور موضوعات متعددی را نام برد که از میان آن‌ها موضوع سوریه در سال‌های اخیر بسیار مهم تر جلوه یافته است. بحران سوریه نشان داده است که هر دو کشور در خصوص منافع استراتژیک خود بسیار مصمم هستند. سوریه محل برخورد منافع دو بازیگر منطقه‌ای در یک فضای ژئوپلیتیکی به شمار می‌رود.

پژوهش حاضر در گفتار دوم به دو موضوع روابط اقتصادی و سیاسی دو جانبه به عنوان محل نزدیکی دو کشور و موضوع سوریه به عنوان محل برخورد منافع دو کشور می‌پردازد. در بخش روابط اقتصادی سیاسی به بررسی حجم روابط اقتصادی دو کشور در فضای بعد از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و حجم تجارت خارجی میان ایران و ترکیه می‌پردازیم. بررسی حجم تجارت خارجی میان دو کشور نشان‌دهنده گرایش آن دو به تأمین نیازهای یکدیگر در شرایط تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران است.

در بخش روابط سیاسی نیز در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، نگاهی به نقش ترکیه می‌تواند نقاط اشتراک دو کشور در خصوص اشاعه هسته‌ای در منطقه را بازتاب دهد. از یکسو ترکیه در همراهی با ایران در صدد است تا موضوع دستیابی به دانش هسته‌ای در میان بازیگران منطقه‌ای (از جمله خودش) را در نظام بین‌الملل تثبیت نماید. از سوی دیگر در تلاش است تا از یکسو بازیگران منطقه‌ای دیگر را موازنه نموده و از دستیابی آن‌ها به توان هسته‌ای نظامی بازدارد و از سوی دیگر نقش شهروندی مثبت که خاص قدرت‌های میانه در نظام بین‌الملل است را بازی نماید. در بخش دوم از گفتار دوم نیز به موضوع سوریه به عنوان یکی از مهم‌ترین محل‌های برخورد منافع دو کشور در سال‌های اخیر می‌پردازیم. سوریه به‌مثابه زمین مسابقه‌ای می‌ماند که هر دو طرف در پی منافع خود به دنبال یافتن و یا حفظ نفوذ خود در جهت اهداف بلندمدت هستند.

بخش اول: روابط اقتصادی و سیاسی دو جانبه به عنوان محل همگرایی فزاینده ایران و ترکیه

سیاست خارجی دو کشور ایران و ترکیه وجوه اشتراک و افتراق مختلفی دارد که برآیند این دو، روابط دوجانبه دو کشور را در عرصه‌های مختلف رقم می‌زند. در این خصوص اشاره و تحلیل جنبه‌هایی که همگرایی دو کشور در آن بعد فزاینده می‌یابد از اهمیت شایانی برخوردار است. در این گفتار موضوع نزدیکی روابط دو کشور در زمینه‌های همکاری‌های سیاسی و اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

در حوزه مسائل سیاسی مهم‌ترین موضوعی که موجب گشته تا دو کشور دیدگاه‌هایشان به یکدیگر نزدیک شود موضوع برنامه هسته ای ایران بوده است. باید توجه داشت که دستیابی به توان هسته‌ای توسط کشورهای منطقه مورد تأکید ترکیه در مجامع بین‌المللی بوده است. (Stein,2012:138) اما ترکیه از سوی دیگر همواره بر عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در منطقه تأکید نموده تا از یکسو موازنه علیه آن کشور به هم نخورد و از سوی دیگر نقش شهروند خوب در جهت حفظ وضع کنونی در نظام بین‌الملل را ایفا نماید. (Barkey,2009:78) ترکیه درخصوص بر هم خوردن موازنه در منطقه به نفع ایران در زمینه دستیابی به توان هسته‌ای نظامی نیز نوعی نگرانی دارد؛ بنابراین، در این خصوص هم با تکیه بر نقش شهروند خوب در نظام بین‌الملل و با توجه به موضوع منازعه ژئوپلیتیکی در منطقه در پی آن است از پیشرفت احتمالی ایران در این زمینه جلوگیری نماید. گورزل دیدگاه سیاستمداران ترک درخصوص موضوع هسته‌ای ایران را بر دو قسم می‌داند. گروهی که هسته‌ای شدن ایران را تهدیدی علیه امنیت ملی ترکیه می‌دانند و گروه دیگر که بیشتر تجار و بازرگانان هستند و خواهان بسط روابط با ایران هستند و دولت ترکیه را برای تقویت روابط با ایران تشویق می‌کنند. به این گروه سیاست‌مداران حزب عدالت و توسعه را نیز بایستی اضافه نمود که موفقیت ایران در دستیابی به انرژی هسته‌ای را موفقیتی برای مجموعه کشورهای در حال ورود به باشگاه کشورهای هسته‌ای می‌دانند و معتقدند که صف آرای غرب می‌تواند در آینده آن‌ها را نیز در دستیابی به انرژی هسته‌ای ناکام گذارد. (Gurzel,2012:143)

درخصوص روابط اقتصادی دو کشور می‌توان حضور حزب عدالت و توسعه در رأس نظام سیاسی ترکیه را تغییری بارز در الگوی روابط اقتصادی ایران و ترکیه دانست. جدول زیر حجم رو به گسترش تجارت دو کشور را نمایان می‌کند.

شکل ۲ جدول صادرات و واردات ترکیه از ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ (ارقام با اضافه نمودن سه صفر)

| سال | صادرات | واردات | حجم | نسبت تراز تجاری |
|------|---------|---------|-----------|-----------------|
| ۲۰۰۰ | ۲۳۵,۷۴۸ | ۸۱۵,۷۳۰ | ۱,۰۵۱,۵۱۴ | -۵۷۹,۹۴۵ |
| ۲۰۰۱ | ۳۶۰,۵۴۵ | ۸۳۹,۸۰۰ | ۱,۲۰۰,۳۳۵ | -۴۷۹,۲۶۴ |
| ۲۰۰۲ | ۳۳۳,۹۶۲ | ۹۲۰,۹۷۱ | ۱,۲۵۴,۹۳۳ | -۵۸۷,۰۰۹ |

| | | | | |
|------|-----------|-----------|------------|------------|
| ۲۰۰۳ | ۵۳۳,۷۸۶ | ۱,۸۶۰,۶۸۲ | ۲,۳۹۴,۴۶۹ | -۱,۳۲۶,۸۹۶ |
| ۲۰۰۴ | ۸۱۳,۰۳۱ | ۱,۹۶۲,۰۵۸ | ۲,۷۷۵,۰۵۹ | -۱,۱۴۹,۰۲۷ |
| ۲۰۰۵ | ۹۱۲,۹۴۰ | ۳,۴۶۹,۷۰۵ | ۴,۳۸۲,۶۴۵ | ۲۵۵۶,۷۶۵ |
| ۲۰۰۶ | ۱,۰۶۶,۹۰۱ | ۵,۶۲۶,۶۱۰ | ۶,۶۹۳,۵۱۱ | -۴,۵۵۹,۷۰۸ |
| ۲۰۰۷ | ۱,۴۴۱,۱۹۰ | ۶,۶۱۵,۱۹۳ | ۸,۰۵۶,۵۸۳ | ۵,۱۷۴,۲۰۳ |
| ۲۰۰۸ | ۲,۰۲۹,۷۵۹ | ۸,۱۹۹,۶۸۸ | ۱۰,۲۲۹,۴۴۸ | ۶,۱۶۹,۹۲۹ |
| ۲۰۰۹ | ۲,۰۲۴,۸۶۳ | ۳,۴۰۵,۹۸۵ | ۵,۴۳۰,۸۴۸ | -۱,۳۸۱,۱۲۲ |
| ۲۰۱۰ | ۳,۰۴۲,۹۵۷ | ۷,۶۴۴,۷۸۲ | ۱۰,۶۸۷,۸۳۹ | ۴,۶۰۱,۸۳۵ |

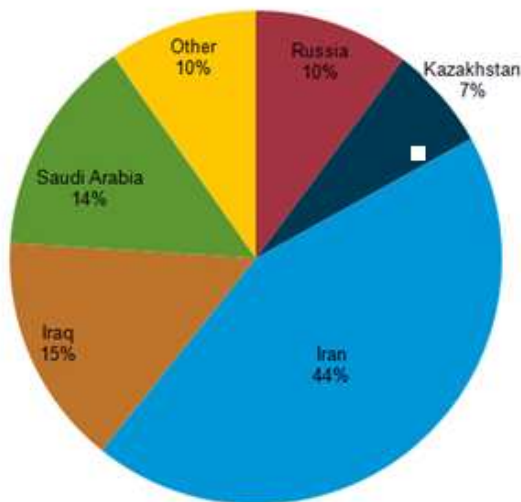
منبع: سایت وزارت خارجه ترکیه - <http://www.mfa.gov.tr/sub.en.mfa?f460c1eb-1d2c-4ae9-9807-d88c1eac7af8>

جدول بالا می‌تواند گویای افزایش حجم تجارت دو کشور پس از حضور حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاسی ترکیه باشد. در حوزه انرژی هم اشاره به آمارها می‌تواند گویای تبدلات دو کشور در این زمینه باشد. بر اساس آماری که آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده از منابع نفت وارداتی ترکیه به دست می‌دهد ایران در سال ۲۰۱۲ میلادی بزرگ‌ترین منبع صادرات نفت خام ترکیه بوده است.

در شکل ذیل می‌تواند این موضوع را به خوبی به تصویر بکشد. (<https://www.eia.gov/beta/international/country.cfm?iso=TUR>) منابع واردات نفت ترکیه

در شکل ذیل می‌تواند این موضوع را به خوبی به تصویر بکشد.

شکل ۳، نمودار تأمین، کشورهای تأمین‌کننده نفت ترکیه



منبع: مرکز اطلاعات انرژی امریکا www.eia.gov

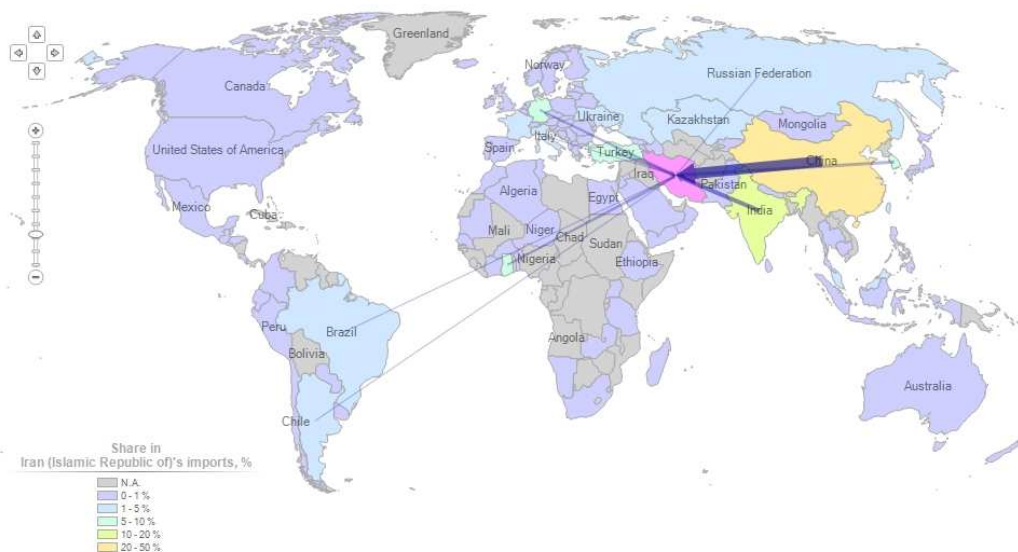
همچنان که شکل بالا نیز نشان می‌دهد می‌توان گفت که موضوع نیاز ترکیه به انرژی عاملی است که روابط دو کشور را عمق بخشیده و از تشدید اختلافات میان ایران و ترکیه جلوگیری می‌نماید. همچنین باید توجه داشت ایران به سبب تحریم‌های ایالات متحده از دریافت پول نفت خود به صورت ارزهای بین‌المللی مانند دلار و یورو محروم گشته است. در خصوص ارزش روابط تجاری دو کشور ذکر این مسئله حائز اهمیت است که ایران در رتبه پنج شریک اصلی تجاری ترکیه قرار دارد. حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۲۰۱۱، معادل ۱۶ میلیارد دلار بوده است که ۱۲ میلیارد دلار از این مقدار را تجارت انرژی به خود اختصاص داده است. ایران دومین تأمین‌کننده گاز ترکیه با ۲۱ درصد از حجم گاز وارداتی این کشور بعد از روسیه است. (Flanagan, 2012: 170)

اشاره به موقعیت ترکیه و نقش آن در تأمین کالاهای مورد نیاز ایران بسیار تأثیرگذار است. بر اساس آمار مرکز تجارت بین‌الملل، ترکیه سومین منبع واردات ایران بوده است که حدود ۹ درصد از حجم واردات ایران در سال ۲۰۱۳ میلادی را به خود اختصاص داده است. شکل ذیل می‌تواند گویای این امر باشد.

شکل ۴ نمودار کشورهای صادرکننده کالا به ایران در سال ۲۰۱۳

List of supplying markets for a product imported by Iran (Islamic Republic of) in 2013 (Mirror)

Product : TOTAL All products



منبع: مرکز تجارت بین الملل ITC

http://www.trademap.org/Country_SelProductCountry_Map.aspx

بر اساس آمار اتاق بازرگانی تهران نیز ترکیه پنجمین مقصد واردات ایران در سال ۱۳۹۲ بوده است. این آمار و ارقام نشان‌دهنده نزدیکی دو کشور و نیاز دو بازیگر فعال منطقه‌ای به یکدیگر در زمینه‌های تجاری بوده است. (سایت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، <http://www.tccim.ir/ImpExpStats.aspx?slcImpExp=Import&slcCountry=&Year=1392> &mode=doit) در سال ۲۰۱۴ نیز رقم تجارت میان ایران و ترکیه نیز درصد قابل قبولی را به خود اختصاص داده است. بر اساس این گزارش صادرات ترکیه به ایران در ۱۰ ماه نخست ۲۰۱۴ با کاهش ۲۱ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده و به ۲/۸۷۶ میلیارد دلار رسیده است. واردات ترکیه از ایران در ۱۰ ماه نخست ۲۰۱۴ نیز نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۵ درصد کاهش یافته و به ۸/۳۵۲ میلیارد دلار رسیده است. (روزنامه عصر اقتصاد، ۱۵ خرداد ۱۳۹۳ <http://www.itema.ir/?lang=fa&muid=112&item=1615>)

به نظر می‌رسد نیاز ترکیه به حضور فعال در خاورمیانه و نفوذ در میان کشورهای عرب با نزدیکی آن کشور به ایران منافاتی نداشته باشد. در حقیقت این پژوهش تلاش دارد رویکرد دوگانه ترکیه را در راستای نیاز آن برای حفظ موقعیت خود به عنوان قدرت میانه در حال ظهور نشان دهد. رویکردی که آن را در منطقه و در منازعه ژئوپلیتیکی در میان همسایگان و بازیگران منطقه‌ای بدون برهم زدن ساختار نظام بین‌الملل موفق می‌سازد.

بخش دوم: سوریه محل منازعه دو بازیگر فعال خاورمیانه، ایران و ترکیه روابط خارجی دو کشور همسایه ایران و ترکیه دارای سابقه تاریخی طولانی است که عمده تعاملات دو کشور به عنوان دو امپراتوری به روابط آن دو در عصر صفویه بازمی‌گردد، جایی که امپراتوری عثمانی و پادشاهی صفویه در ایران هر دو با داشتن قلمروی سرزمینی گسترده، بازیگران بلامنازع در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین در بخش‌هایی از شرق اروپا به شمار می‌آمدند. در این خصوص اگر با نگاهی تاریخی به پیشینه روابط دو کشور نگریسته شود، می‌توان رقابت‌های دو امپراتوری برای کسب قدرت و نفوذ در عین داشتن مشترکات را به عنوان وجه مشخص روابط آن‌ها در نظر گرفت. در این خصوص می‌توان رقابت را به عنوان مشخصه اصلی و همکاری در موضوعات مختلف را به عنوان متغیری وابسته در نظر گرفت. رقابت دو کشور حتی پس از تغییر نظام‌های سیاسی آن‌ها نیز ادامه یافته است. در حقیقت بنا بر آنچه که بوزان در نظر می‌گیرد بعد منازعه و رقابت در روابط منطقه‌ای میان بازیگران عمده دوام بسیاری دارد. (Buzan and Waever, 2003:50)

هانتز معتقد است فضای بعد از جنگ سرد که تصلب نظام دو قطبی نیز در آن از میان رفته است باعث می‌شود بازیگرانی چون ایران و ترکیه با دست باز و آسودگی بیشتر به قدرت‌نمایی و تحکیم حوزه‌های نفوذ خود مبادرت ورزند. (Hunter, 2009:12) وقوع تحولات سیاسی در کشورهای عرب خاورمیانه عرصه جدیدی برای بازیگری ترکیه در این منطقه ایجاد نموده است. در این زمینه سیاست‌های ترکیه و ایالات متحده گاه به هم نزدیک و گاهی از هم دور می‌شود. اوزهان درخصوص واکنش ترکیه در قبال تحولات موسوم به بهار عربی از دو ترکیه یکی ترکیه قدیم و دیگری ترکیه جدید یاد می‌کند. او معتقد است که همان‌طور که ترکیه بر تحولات کشورهای عرب تأثیرگذار بوده است، این تحولات ترکیه را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند به طوری که وجود عناصری که عربی بودن را به جامعه ترکیه وارد می‌کند دیگر با واکنش‌های شدید سکولارها و نیروهای مسلح مواجه نمی‌شود. اوزهان همچنین نظم بعد از کمپ دیوید را نیازمند تغییرات بنیادی می‌داند تا گذار به دموکراسی کامل شود. مسئله‌ای که سیاستمداران ترک نیز به آن معتقدند، اما ایالات متحده تغییر در خاورمیانه را کنترل شده می‌خواهد و تلاش دارد تا مدیریت آن را در دست بگیرد. (Ozhan, 2011:60)

کاساپوگلو خروج ایالات متحده از عراق و کاهش نفوذ این کشور در خاورمیانه را عاملی برای تشدید رقابت‌های دو کشور می‌داند. او ترکیه را بازیگری می‌داند که در دو عرصه منطقه‌ای یعنی سوریه و عراق در تلاش برای کسب رهبری منطقه است. (Kasapoglu, 2012:1) می‌توان گفت که بحران اخیر در سوریه نیز عرصه دیگری برای زورآزمایی دو کشور ایران و ترکیه است که هر کدام دیدگاه‌های متفاوتی درخصوص پیکربندی اجزای سیاسی منطقه دارند. آراس و علیرضا تشدید اختلاف میان واشنگتن و آنکارا درخصوص نحوه حمایت از اپوزیسیون سوریه

علیرغم توافقی‌های اولیه در این زمینه را واضح و مبرهن می‌دانند. (Aras and Aliriza, 2012:10) گزارش‌کنگره ایالات متحده درخصوص روابط ترکیه با آن کشور در زمینه سوریه نشان از حرکت ترکیه درخصوص سوریه به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای فعال دارد. حرکتی که حتی خود ایالات متحده نیز آن را از عواقب وخیم در منطقه خالی نمی‌داند. امری که در سال ۲۰۱۳ و با طولانی شدن جنگ و ناکامی‌های پی‌درپی مخالفان اسد هویدا شد. (Zanotti, 2013:18)

سیاست خاورمیانه‌ای ایران و ترکیه بعد از وقوع حوادثی که بعدها موسوم به بهار عربی گشت تفاوت فراوانی را نشان می‌دهد. ترکیه بعد از وقوع این حوادث و بعد از اندکی تأنی سیاست تهاجمی جدیدی در پیش گرفت که با موضوع کاهش تنش با همسایگان که قبلاً از سوی طراح اصلی سیاست خارجی این کشور، یعنی احمد داوود اوغلو مطرح شده بود تفاوت فراوانی نشان می‌داد. البته داوود اوغلو، خود در مقاله‌ای که دیدگاه سیاست خارجی جدید ترکیه را تشریح می‌کند ماهیت تهاجمی سیاست خارجی این کشور در دوره حزب عدالت و توسعه را انکار نمی‌کند.

درخصوص سوریه شکاف‌های عمیقی میان ایران و ترکیه وجود دارد. ترکیه معتقد به تشکیل دولتی برخاسته از مدل خود و سنی مذهب در سوریه است تا عمق نفوذ خود را در خاورمیانه بسط دهد. این کشور دیدگاه خود را بر اساس مدل قدرت میانه در حال ظهور به نمایش می‌گذارد. بدین معنی که از یکسو در تلاش است تا منازعه ژئوپلیتیکی را در منطقه واگذار ننماید و از سوی دیگر با معرفی دولت اسد در سوریه به عنوان ناقض ارزش‌های جامعه جهانی نقش شهروندی خوب را به نیکی ایفا نماید. در این خصوص هم گزارش‌کنگره و هم کاراولی بر این موضع تأکید دارند که ایالات متحده به اندازه ترکیه در پی ماجراجویی و گسترش ابعاد بحران در منطقه نیست، اما ترکیه به لحاظ حضور و داشتن منافع ژئوپلیتیکی در منطقه به دنبال آن است که آینده سیاسی سوریه را در جهت منافع خود شکل دهد. کاراولی تأکید می‌کند که امریکا نگران است در غیاب اسد تنوع قومیتی که در زمان او وجود داشت و از آن حفاظت می‌شد از بین برود و گروه‌های دیگری که در فضای اجتماعی سیاسی سوریه نقش ایفا می‌نمودند در محاق قرار گیرند. ترکیه نیز در این زمینه تلاش دارد تا فاصله خود را با اخوان سوریه کمتر کند که این موجب قدرت گرفتن آن‌ها در فضای متشنج این کشور می‌شود. (Karaveli, Nytimes: Feb 27, 2013)

ترکیه نمی‌تواند به‌طور کامل منافع ایالات متحده در موضوع سوریه را تأمین کند. حتی می‌توان استنباط نمود نقش ترکیه درخصوص سوریه تا حدی مغایر با منافع امریکا است. در غیاب حضور مؤثر ایالات متحده در خاورمیانه موقعیت برای بازیگران فعال منطقه‌ای از جمله ایران و ترکیه و حتی رژیم صهیونیستی برای تعیین آینده منطقه فراهم شده است. (Gardner, 2010:2)

درخصوص سوریه تضاد میان ایران و ترکیه بر سر آینده سیاسی آن کشور به عنوان یکی از حوزه‌های نفوذ در منطقه قابل توجه است. در این زمینه ترکیه حتی از ایالات متحده نیز در فشار آوردن بر حکومت اسد نیز پیشی گرفته است. این موضوع بر رویکرد قدرت‌های میانه در حال ظهور دلالت دارد که درخصوص منازعات منطقه‌ای و منافع عینی خود بسیار فعال و تهاجمی عمل می‌نمایند. در حقیقت بر خلاف قدرت‌های میانه سنتی در روابط بین‌الملل، قدرت‌های میانه در حال ظهور بسیار متوجه محیط اطراف خود بوده و بسیار بر شکل دادن آن مصمم هستند. در این راستا نزدیکی ترکیه به ایران در روابط دو جانبه از یکسو و تلاش برای تغییر نظام سیاسی در سوریه برای کم نمودن نفوذ منطقه‌ای ایران از سوی دیگر در قالب سیاست خارجی ترکیه به عنوان یک قدرت میانی در حال ظهور قابل تحلیل است.

گفتار سوم: روابط استراتژیک ترکیه با ایالات متحده و مؤلفه‌های سیاست ترکیه به عنوان قدرت میانی در حال ظهور

گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی ایالات متحده درخصوص روابط ترکیه و ایالات متحده، حاکی از خط مشی مستقل تر سیاست خارجی ترکیه است به طوری که این کشور در دوران حزب عدالت و توسعه از غرب‌گرایی صرف که وجه مشخص سیاست خارجی ترکیه بوده تا حدی فاصله گرفته است. در رابطه با ایران، نیاز این کشور به منابع انرژی و همچنین نیاز به ایفای نقش بیشتر در منطقه خاورمیانه باعث گشته است تا ترکیه به ایران نزدیک تر شده و تعامل خود را با آن کشور گسترش دهد. (CSIS, 2012:39)

می‌توان با استفاده از ارزیابی جردن در زمینه سیاست خارجی قدرت‌های میانی در حال ظهور به تحلیل خط مشی ترکیه در قبال ایالات متحده پرداخت و با استفاده از آن نشان داد که اهرم بازدارندگی ایالات متحده درخصوص ایران از طریق قدرت میانه در حال ظهوری چون ترکیه تا چه میزان میسر بوده است. همان‌گونه که در بخش مقدمه مورد اشاره واقع شد ترکیه به عقیده گورزل درخصوص پرونده هسته‌ای ایران یک سیاست خارجی با دو محور را اتخاذ نموده است. به این ترتیب که از یکسو با ایفای نقش شهروند خوب در نظام بین‌الملل که ویژگی قدرت‌های میانه در جهت حفظ وضع موجود است تلاش نموده تا با اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و شکل‌گیری یک مسابقه تسلیحاتی در منطقه مبارزه کند و از سوی دیگر با تأکید بر حق ایران مبنی بر دستیابی به فرایند غنی‌سازی اورانیوم به شکل بومی زمینه را برای تبدیل شدن به یک قدرت میانه در حال ظهور با داشتن توان هسته‌ای فراهم نماید. (Gurzel, 2012:15)

در حقیقت ترکیه توانسته است یک سیاست خارجی با دو محور را در برابر ابرقدرت فرامنطقه‌ای و بازیگر فعال منطقه‌ای دیگر ایفا نماید. در این راستا مقامات ایالات متحده درخصوص اقدامات ترکیه در موضوع ایران همواره نگرانی خود را نشان داده‌اند.

(Falk, 2014: 18) استفن کینزر، روزنامه‌نگار با سابقه نیویورک‌تایمز، به نگاه تاریخی ایالات متحده و بازدارندگی آن نسبت به ایران پس از انقلاب اسلامی اشاره نموده و نزدیکی ترکیه با ایران را از منظر مقامات امریکایی نامطلوب می‌داند، زیرا سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه بر مبنای دشمنی با کشورهای غیر متحد طراحی شده است. (Kinzer, 2010: June 14, <http://www.democracynow.org>) به عقیده کینزر در خصوص ایران، ایالات متحده حاضر به پذیرش توصیه‌های متحد نزدیک خود، یعنی ترکیه نیست. کینزر به ماهیت ترکیه به عنوان یک قدرت میانی در حال ظهور اشاره نموده و از سیاستمداران امریکایی می‌خواهد پذیرای نقش آن کشور در مورد ایران باشند. می‌توان از سیاست خارجی ترکیه به عنوان یک قدرت میانی در حال ظهور به عنوان مدلی یاد نمود که در یک زمان نقش خود را به عنوان شهروند خوب بازی نموده از سوی دیگر روابط خود را با نزدیک‌ترین متحدان منطقه‌ای خود حفظ می‌نماید.

این مدل تحلیل می‌تواند تناقض‌های تحلیلی در خصوص روابط ایران و ترکیه و ارتباط ترکیه با ایالات متحده را تبیین نماید. ترکیه در قالب قدرت میانه در حال ظهور برای حفظ و افزایش قدرت خود ناچار از حفظ روابط خود با ابرقدرت و موازنه بازیگر منطقه‌ای رقیب و بسط روابط خود با همسایگان است. در این چارچوب اقدام یک‌جانبه و خارج از چارچوب منافع از سوی قدرت میانی در حال ظهور در قبال ابرقدرت و بازیگر منطقه‌ای فعال اتخاذ نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه در مجموع دارای رگه‌هایی از نقش‌های متضاد است. ترکیه از یکسو به ایران و بازار آن نیاز داشته و به خصوص در زمانی که تحریم‌های شدید دوجانبه و بین‌المللی بر آن کشور وضع شده، توانسته حجم بزرگی از بازار واردات آن کشور و از سوی دیگر بخش مهمی از ذخایر مالی ایران را تأمین نماید. از سوی دیگر ایفای نقش شهروندی خوب از سوی ترکیه به عنوان قدرت میانه در حال ظهور می‌تواند از یکسو ایالات متحده را راضی نگه داشته و سطح همکاری‌های فعلی را حفظ نماید و از سوی دیگر می‌تواند در ائتلافی با قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه ایران را موازنه نماید؛ بنابراین، می‌توان مشاهده نمود که ترکیه علاوه بر تأکید بر حق ایران در داشتن فناوری هسته‌ای صریحاً بر تعهد آن کشور مبنی بر جلوگیری از اشاعه تسلیحات هسته‌ای تأکید نموده است. موضوع دیگر موازنه قدرت ایران در سوریه است. ترکیه به دنبال ایفای نقش بیشتر در منطقه و ایجاد مدلی سیاسی بر مبنای حضور متحدین سنی مذهب در سوریه بوده است تا از نقش ایران در آن کشور بکاهد؛ بنابراین، سقوط رژیم اسد و تقویت مخالفان آن در دستور کار آن کشور قرار گرفته است. بر اساس نظریه جردن، ترکیه به عنوان یک قدرت میانه در حال ظهور در صدد است تا با ایفای نقش موازنه و همکاری در برابر

ایران و آمریکا منافع خود را تأمین نماید. این مسئله‌ای است که ریچارد فالک نیز به آن اشاره می‌کند و آن را موجب ناخشنودی دولت‌مردان آمریکایی می‌داند. به عبارت دیگر، سیاست خارجی ترکیه به عنوان یک قدرت میانه در حال ظهور آن را از قید یک‌جانبه‌گری و تعهد یک سویه رها ساخته و سیالیت را به عنوان عاملی قوی در ساختار سیاست خارجی خود جهت تأمین منافع جاری می‌سازد.

منابع

1. Administration, E. I. (2013). *Energy Information Administration*. Retrieved February 15, 2013, from [eia.gov.
https://www.eia.gov/beta/international/country.cfm?iso=TUR](https://www.eia.gov/beta/international/country.cfm?iso=TUR)
2. Aras , Bulent ;Aliriza, Bulent. (2012). *U.S.-Turkish Relations: A review at the beginning of the third decade of the post-cold war era*. Washington D.C: CSIS.
3. Barkey, H. J. (2009). *Turkey's Perspective on Nuclear Weapons and Disarmement- Unblocking the road to zero: perspectives of advanced nuclear nations*. Washington, DC: Stimson nuclear security series.
4. Buzan, Barry ;Ole Waever . (2003). *Regions and powers: the structures of international security*. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Cook, S. (2012). *US Turkey relations: a new partnership*. Washington D.C: Council on Foreign Relations.
6. Cordesman, Anthony H; Bryan Gold, Robert Shelala, Michael Gibbs. (2013). *U.S. and Iranian Strategic Competition: Turkey and South Caucause*. Washington D.C: CSIS.
7. Davutoglu, A. (2008). 3.Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007 . *Insight Turkey*, Vol. 10 (1) .
8. Falk, R. (2014). Can the U.S. government accept an independent Turkish foreign policy in the Middle East. *Insight Turkey*, 7-18.
9. Flanagan, S. J. (winter 2013). The Turkey, Russia, Iran Nexus: Eurasian Power Dynamics. *The Washington Quarterly*.
10. Gardner, D. (2010). *Turkey, Iran and Israel in a Three-Sided Competition*. Oslo: Norwegian Peace building Council.
11. Gürzel, A. G. (2012). Turkey's Role in Defusing Iran's Nuclear Issu. *The Washington Quarterly*, 141-152.
12. Hunter, S. T. (2009). *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order*. Santa Barbara, California: ABC-CLIO.
13. Jenkins, G. (2012). *Occasional Allies, Enduring Rivals: Turkey's Relations with Iran*. Washington, D.C: Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program.

14. Jordan, E. (2003). The concept of middle power in international relations: distinguishing between emerging and traditional middle powers. *Politikon*, 165-181.

15. Karadag, Roy ;André Bank. (September 2012). The Political Economy of Regional Power: Turkey under the AKP. *No 204*.

16. Karaveli, H. M. (2013, Feb 27). Turkey, the unhelpful ally. *The New York Times*.

17. Kasapoglu, C. (June 2012). *The Cold War between Turkey and Iran..* . Foreign Policy Research Institute.

18. Kinzer, S. (2010, June 14). *Reset: Iran, Turkey, and America's Future*. Retrieved December 17, 2014, from democacynow: http://www.democacynow.org/2010/6/14/steven_kinzer_reset_iran_turkey.

19. Larrabee, S. (2008). *Turkey as a U.S. Security Partner*. Santa Monica California: Rand Corporation.

20. Morse, Julia C.;Robert O. Keohane . (2014). Contested multilateralism. *Review of international Organization*, 385-412.

21. Ozhan, T. (2011). The Arab Spring and Turkey: The Camp David Order vs. the New Middle East. *Insight Turkey*, 55-64.

22. Pollack, Kenneth M ;and others. (2011). *The Arab Awakening: America and the transformation of the Middle East. .:* Washington D.C: Brookings Institute.

23. Sinkaya, B. (Vol. 14 (2) 2012). Rationalization of Turkey-Iran Relations: Prospects and Limits. *Insight Turkey*.

24. STEIN, A. (2012). *Understanding Turkey's Position on the Iranian Nuclear Program*. Monterey : JAMES MARTIN CENTER FOR NONPROLIFERATION STUDIES.

25. Szymański, A. (No. 92 (168) 2010). *Changes in Turkish Foreign Policy. Bulletin*. Warsaw: Polish Institute of International Affairs.

26. Zanotti, J. (2013). *Turkey: Background and U.S. Relations*. Washington DC: Congressional Research Service.

۲۷. بی نام، مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه در سه ماه اول سال به ۳،۲۵ میلیارد دلار رسید، عصر اقتصاد، ۱۵ خرداد ۱۳۹۳

<http://www.asre-eghtesad.com/بازرگانی-و-توزیع/detail/198>
<http://www.itema.ir/?lang=fa&muid=112&item=1615>

۲۸. اتاق بازرگانی تهران، آمار کل واردات و صادرات به مقصد ج.ا.ایران در سال ۱۳۹۲
<http://www.tccim.ir/ImpExpStats.aspx?slcImpExp=Import&slcCountry=&sYear=1392&mode=doit>